

**The Normative Model of Human Communication in the Thought
of Ayatollah Javadi Amoli**

Ebrahim Fathi^۱

Received: ۲۰/۰۱/۲۰۲۰

Accepted: ۱۸/۰۷/۲۰۲۰

Abstract

Reflection on creation implies a set of relations including those between material and immaterial as well as animate and inanimate beings as the basis and axis of the universe. Among these, human social relations are of special importance because human relations and social relations are the most difficult in terms of knowledge and practice. In the meantime, recognizing the views of social thinkers provides the grounds for reducing the epistemological and the practical human relations difficulties. In this article, in order to study and recognize Ayatollah Javadi Amoli's view of human communication, the research method of combining his existing works has been used. In general, the relations of the believer are explained from Ayatollah Javadi Amoli's perspective in three areas: "Islamic", "monotheistic" and "human". By relations in the Islamic field, he means communication with all Muslims in the world. In the realm of monotheism, it means communication with all monotheists (Christians, Jews, Zoroastrians, and all those who accept God), and communication in the human realm is related to humanity, regardless of their religions. The relationship of the believer in each of these areas follows the four general principles and macro characteristics of "monotheism, justice, unity and good fellowship." According to Ayatollah Javadi Amoli, each domain includes its specific communication scope with their own characteristics, while some scopes are common in all of them. In the Islamic field, the realms of communication are: communication with the Prophet (Imam and his special and general deputy) with the characteristic of love and obedience (acceptance of guardianship), communication with parents with the characteristic of kindness and companionship, communication with spouse, children and relatives with the characteristic of friendliness and mercy, the relationship with orphans and the poor with the characteristic of benevolence and expediency, the relationship with neighbors and companions with the characteristic of benevolence and victory, the relationship with believers and Muslims with the characteristic of brotherhood. In the field of monotheism, the relationship with the People

^۱. Associate Professor of IRIB university e.fathi۲۰@gmail.com

of the Book conducive to unity and peace has been Ayatollah's special consideration. Ayatollah's advice in the international arena is that Muslims should not allow the infidels' guardianship and should shun their obedience despite living peacefully with them. Regarding the connection with the *Taghut* (illegitimate tyrants) abroad and the hypocrites inside the Islamic society, he has ordered Muslims' dissociation (*bara'at*) from them and concerning the arrogant ones who are at war with Muslims, he believes in a just confrontation and fight.

Keywords: Communication, Norm, Model, Human, Society, Good Fellowship, Unity, Justice, Ayatollah Javadi Amoli.

الگوی هنجاری ارتباطات انسانی در اندیشه آیت... جوادی آملی

ابراهیم فتحی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸

چکیده

تأمل در نظام خلقت، حاکی از مجموعه‌ای از روابط اعم از روابط بین موجودات مادی و غیرمادی و همچنین موجودات ذی‌روح و بی‌روح به‌عنوان مبنا و محور عالم می‌باشد. از بین این روابط، ارتباطات اجتماعی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده چرا که روابط انسانی و مناسبات اجتماعی دشوارترین رابطه به لحاظ معرفتی و سخت‌ترین مناسبات به لحاظ عملی است. در این میان شناخت نظرات اندیشمندان جامعه زمینه‌های کاهش دشواری‌های معرفتی و سختی‌های مناسبات عملی ارتباطات انسانی را فراهم می‌سازد. در این مقاله برای بررسی و شناخت اندیشه ارتباطات انسانی آیت... جوادی آملی از روش پژوهش فراترکیب آثار موجود آیت... جوادی آملی استفاده شده است. به‌طورکلی روابط انسان مؤمن از منظر آیت... جوادی آملی در سه حوزه «اسلامی»، «توحیدی» و «انسانی» تبیین می‌شود. منظور ایشان از روابط در حوزه اسلامی، ارتباط با کلیه مسلمانان جهان است. ارتباطات در حوزه توحیدی همان ارتباط با موحدان (مسیحی‌ها، یهودی‌ها، زردشتی‌ها و همه کسانی که خدا را قبول دارند) بوده و ارتباطات در حوزه انسانی، مربوط به انسانیت فارغ از هرگونه دین و آیین ایشان است. ارتباط انسان مؤمن در هر یک از این حوزه‌ها از چهار اصل کلی و شاخصه کلان «توحید، عدالت، وحدت و حسن معاشرت» پیروی می‌کند. بر اساس دیدگاه آیت... جوادی آملی هر حوزه شامل قلمروهای ارتباطی خاص با شاخصه ارتباطی ویژه خود است، ضمن اینکه بعضی از قلمروها در هر سه حوزه مشترک می‌باشند. در حوزه اسلامی، قلمروهای ارتباطی به ترتیب عبارت‌اند از: ارتباط با پیامبر (امام و نایب خاص و عام ایشان) با شاخصه محبت و اطاعت (پذیرش ولایت)، ارتباط با والدین با شاخصه احسان و مصاحبت، ارتباط با همسر، فرزندان و خویشان با شاخصه مودت و رحمت، ارتباط با یتیمان و مساکین با شاخصه احسان و مصلحت، ارتباط با همسایه، هم‌نشین و همراه، با شاخصه احسان و نصرت، ارتباط با مؤمنین و مسلمانان با شاخصه اخوت. در حوزه توحیدی ارتباط با اهل کتاب با شاخصه اتحاد و مسالمت مورد توجه آیت... جوادی آملی قرار گرفته است. توصیه آیت... جوادی آملی در حوزه بین‌المللی این است که مسلمین ضمن زندگی مسالمت‌آمیز با کفار نسبت به ایشان ولایت و اطاعتی نداشته باشند. در خصوص ارتباط با طاغوت در خارج و منافقین در داخل جامعه اسلامی، برائت و جهت ارتباط با مستکبرین که با مسلمانان جنگ دارند دستور به مبارزه عادلانه می‌دهد.

واژگان کلیدی: ارتباطات، هنجار، الگو، انسان، جامعه، حسن معاشرت، وحدت، عدالت، آیت...

* استادیار گروه ژورنالیسم و خبر دانشکده ارتباطات و رسانه دانشگاه صدا و سیما.

e.fathi20@gmail.com

۴ *فنون و ادبیات* ، سال بیست و هفتم، شماره اول (پیاپی ۵۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

جوادی آملی.

امروزه در دنیای جدید ورود به مسائل علم ارتباطات با نگاه سکولار و غیردینی بسیار جدی است. الگوهای متفاوتی خصوصاً از نوع الگوهای مکانیکی در این زمینه ارائه شده است، اما با توجه به اینکه از طرفی ارائه الگوهای انسانی و اجتماعی از نگاه اندیشمندان اسلامی در عرصه‌های مختلف از ضعف جدی برخوردار است و از طرف دیگر پایه و اساس ارتباطات انسانی موجود امروز بر مبنای جدایی دین و با محوریت اومانیسم شکل گرفته است، ارائه الگوهای دینی و اسلامی بر اساس هنجارها و ارزش‌های توحیدی اهمیت دوچندان دارد.

گرچه برخی از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، ارتباطات را از دو زاویه مورد بررسی قرار داده‌اند؛ یعنی نقش دستگاه‌های ارتباط جمعی عمده مثل مطبوعات و رادیو و تلویزیون و... به عنوان دیدگاه کلان را جدای از ارتباطات میان‌فردی به عنوان دیدگاه خرد بررسی کرده‌اند، اما در واقع ارتباطات جمعی نیز نوعی ارتباط انسان با انسان‌های دیگر است و تنها به خاطر واسطه شدن ابزارهای رسانه‌ای و گستردگی این نوع ارتباطات در راستای اهداف سیاسی، به صورت مجزا بررسی می‌شود.

اهمیت ارتباطات اجتماعی از آن جهت است که از طرفی از آغاز خلقت تاکنون، روابط مختلف انسان‌ها از جمله ارتباطات جمعی و روابط بین‌الملل و... با الگوگیری از ارتباطات انسان با دیگر انسان‌ها شکل گرفته است و از طرف دیگر روابط انسانی و مناسبات اجتماعی دشوارترین رابطه به لحاظ معرفتی و سخت‌ترین مناسبات به لحاظ عملی است، زیرا انسان وقتی خود را در دریای وسیع و عمیق جامعه می‌بیند و نیازها و انتظارات جامعه را احساس می‌کند و نیز رسالت خود را نسبت به جامعه بررسی می‌کند، امر صعب، بلکه مستصعب و دشوار حیات اجتماعی سالم و پاکیزه را کاملاً درک می‌کند. از این رو شناخت صحیح نسبت به حیات اجتماعی و نقش و رسالت انسان در آن ساحت، از جمله ضروری‌ترین معرفت‌های بشری است که تنها در صورت اصلاح این روابط و تصحیح این مناسبات، فرد و جامعه رشد و تکامل پیدا می‌کند.

جهت ارائه الگوی اسلامی - هنجاری ارتباطات میان فردی و انسانی به معنای ارتباط بین‌الطرفین، مداوم، تأثیرگذار و نتیجه‌بخش لازم است الگوی هنجاری ارتباطات در قالب یک مکتب فکری و فلسفی جامع و کامل که مورد تأیید اسلام نیز باشد بررسی شود. در این میان آراء و نظریات حضرت آیت‌... جوادی آملی (حفظه...) اندیشمند بزرگ و فیلسوف متأله و مفسر گران‌قدر که عمری را در دریای بیکران آیات و روایات و علوم اسلامی گذرانده و تسلط بر مبانی فلسفی اسلامی و غربی دارد و از همه مهم‌تر اینکه نسبت به علوم انسانی روز به ویژه علوم اجتماعی، صاحب‌نظر است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

لازم به ذکر است در موضوع الگوی ارتباطات انسانی در سال‌های اخیر تحقیقات و پژوهش‌های ویژه‌ای انجام شده که به‌عنوان نمونه کتاب «الگوی ارتباطات اجتماعی در جامعه اسلامی» نوشته آقای یوسف‌زاده و همکاران از انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره) در سال ۱۳۹۴ چاپ و منتشر شده است. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «طراحی الگوی مطلوب ارتباط روحانیت با نسل جوان با تأکید بر دیدگاه آیت‌... جوادی آملی (مدظله‌العالی)» که توسط حجت‌الاسلام حسینی به‌عنوان پایان‌نامه مقطع کارشناسی‌ارشد در دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام) ارائه شده است؛ اما آنچه این تحقیق را از کتاب یا پایان‌نامه مذکور متمایز و شاید برجسته‌تر می‌کند این است که اولاً مبنای منطقی و حکمی آیت‌... جوادی آملی مدنظر قرار گرفته شده و ثانیاً شاهد پراکندگی و تکرار مطالب مختلف بدون اشاره به سیر منطقی آنها نیستیم. ثالثاً در این مقاله الگوی جامع ارتباطات انسانی (نه قشر خاصی) مورد بررسی قرار گرفته است.

این مقاله به دنبال پاسخ این سؤال اساسی است که: الگوی هنجاری ارتباطات انسانی در اندیشه آیت‌... جوادی آملی چیست؟

الگوی هنجاری

الگوی هنجاری در واقع الگوی عمل و رفتار مطابق با هنجارهای جامعه است. برای بررسی این اصطلاح که ترکیبی از دو کلمه «الگو» و «هنجار» می‌باشد لازم است معنای هر کدام از حیث لغت و اصطلاح به‌صورت مجزا بررسی شود.

- معنای الگو

اگرچه فقدان اجماع درباره تعریف مفاهیم اساسی در علوم اجتماعی نوعی آشفتگی در کاربرد آنها را سبب شده است و سلايق گوناگون مترجمين نیز بر آن افزوده، اما واژه الگو معادل لغت انگلیسی «pattern» است. همان گونه که آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی می‌گوید این اصطلاح از جامعه‌شناسی آنگلوساکسون برآمده است و شباهت معنایی با مدل (model) دارد. الگو امری شکل گرفته در یک گروه اجتماعی است که به‌عنوان راهنمای عمل به‌کار می‌رود (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۶۰).

واژه «الگو» در لغت‌نامه دهخدا، «سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه مثال، نمونه» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۲۴۸). همچنین در فرهنگ معین آمده است: «الگو: طرح و نمونه و روبری از چوب نازک یا مقوا و کاغذ و یا پارچه نازک که از روی آن چیزی را می‌برند. یا می‌سازند، نمونه، انموذج، طرح» (معین، ۱۳۶۳: ۳۴۲).

در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی می‌باشد. به تعبیر دیگر، الگو تبیینی کوتاه، آگاهانه و نمودارگون از یک چیز یا واقعیت است که درصدد بازنمایی عناصر اصلی هر ساختار یا فرایند و بررسی روابط بین این عناصر است. البته ارائه تعریفی جامع برای مدل که در بسیاری از موارد به‌جای الگو استفاده می‌شود لازم می‌باشد.

برخی مدل را برابر همان الگو قرار داده‌اند و این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مدل، ارائه‌کننده مجموعه فیزیکی، ریاضی، یا انسانی است که برای توانمند ساختن انسان و درک آسان‌تر او از یک شیء واقعی به‌کار می‌رود؛ به‌عبارت‌دیگر مدل جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است. از مدل به‌عنوان یک معیار درست برای شناخت یک فرد در برخورد با افراد دیگر استفاده می‌شود» (دادگران، ۱۳۷۴: ۱۱-۳۵).

بنابراین علی‌رغم تشابه معنایی بین مدل و الگو و با توجه به اینکه «الگو» غالباً به معنای سرمشق به‌کار می‌رود لذا در این تحقیق منظور از الگو همان معنای مدل

است و هرکجا در این تحقیق واژه «الگو» به کار رفته است معنای «مدل» مدنظر می‌باشد.

- معنای هنجار

بعد از تبیین معنای «الگو» و «مدل» نوبت به تعریف واژه هنجار می‌رسد. «هنجار» به کسر یا فتح هاء یعنی راه و روش، طریق، طرز، قاعده، قانون (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۵۵۹) راه راست، جاده (عمید، ۱۳۸۹: ۲۵۰۶).

اما در اصطلاح، هنجار، قانون یکسان و معیار معینی است که باتوجه به شرایط مخصوص زمانی و مکانی، کیفیت تفکر و نحوه سلوک و رفتار انسان را تعیین و بدان نظام می‌بخشد، بنابراین می‌توان گفت اصول و قواعد معینی که انتظار می‌رود که مردم آنها را رعایت کنند هنجار نامیده می‌شود. هنجار در این معنا نشان‌دهنده معیار مشترکی بین اعضای یک گروه اجتماعی است. اساساً هنجارها همان بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند. تذکر این نکته لازم است که اگرچه الگو به معنای «pattern»، مفهوم هنجار را در اصطلاح جامعه‌شناختی به یدک می‌کشد اما مفهوم هنجار طبق دیدگاه آیت‌... جوادی آملی از طرفی رابطه مستقیم با دین دارد چرا که دین مجموعه‌ای از اعتقاد به هست‌ها و نیست‌ها و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۰) و از طرف دیگر دین، فطری انسان بوده و چون فطرت تغییرناپذیر است بنابراین دین و به تبع آن هنجارها نیز تغییرناپذیر (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۴۵) و کاملاً مطابق با یکدیگر می‌باشند.

آنچه از مجموع تعاریف لغوی و اصطلاحی «الگو»، «مدل» و «هنجار» به دست می‌آید و متناسب با معنای اتخاذ شده در این تحقیق می‌باشد الگوی هنجاری همان مدل و نمونه‌ای است که روابط مختلف انسانی (اعم از رابطه و ارتباط) در قالب آن، نظام پیدا می‌کند، البته مشروط به اینکه این نظام رفتاری مورد تأیید عقل و شرع باشد.

بنابراین باتوجه به این که این تحقیق متولی بررسی ارتباطات انسانی و ارائه الگوی هنجاری از نگاه اسلام و از منظر حکیم متأله آیت‌... جوادی آملی است

لذا منظور ما از الگوی هنجاری در این تحقیق همان هنجار دینی یا الگوی ارتباطات انسانی مطلوب از دیدگاه اسلام و مفسر اندیشمند آیت... جوادی آملی می باشد.

پیشینه پژوهش

در موضوع الگوی ارتباطات انسانی در سال‌های اخیر تحقیقات و پژوهش‌های ویژه‌ای انجام شده که به‌عنوان نمونه کتاب «الگوی ارتباطات اجتماعی در جامعه اسلامی» نوشته آقای یوسف‌زاده و همکاران از انتشارات مؤسسه امام خمینی^(ره) در سال ۱۳۹۴ چاپ و منتشر شده است. ارائه الگو در این کتاب طبق دستورات دین مبین اسلام و مجموعه آیات و روایات ارائه گردیده و مبنای فرد خاصی از اندیشمندان اسلامی مدنظر نبوده است. در این کتاب ساحت‌های ارتباطی انسان در جامعه اسلامی در هشت قلمرو ارتباطی (خانواده، خویشاوندان، همسایگان دوستان، مؤمنان، مسلمین، اهل کتاب، کفار و مشرکین) مورد بررسی قرار گرفته است.

آنچه که این مقاله را از کتاب مذکور متمایز و شاید برجسته‌تر می‌کند این است که اولاً مبنای منطقی و حکمی آیت... جوادی آملی مدنظر قرار گرفته و ثانیاً شاهد پراکندگی و تکثر مطالب مختلف بدون اشاره به سیر منطقی آنها نیست. در خصوص موضوع ارتباطات انسانی از دیدگاه آیت... جوادی آملی اگرچه خود ایشان مطالبی را در خصوص ارتباطات انسانی به‌صورت پراکنده و در قالب کتب تفسیر یا کتاب «مفاتیح الحیاء» اشاره کرده‌اند اما در این مقاله با کنار هم قرار گرفتن این مطالب، الگوی هنجاری ارتباطات انسانی و سیر منطقی مشخص ایجاد می‌شود. البته پایان‌نامه‌ای با عنوان «طراحی الگوی مطلوب ارتباط روحانیت با نسل جوان با تأکید بر دیدگاه آیت... جوادی آملی (مدظله‌العالی)» که توسط حجة الاسلام حسینی به‌عنوان پایان‌نامه مقطع کارشناسی‌ارشد در دانشگاه باقرالعلوم^(ع) ارائه شده است، علاوه بر اینکه مطالبی در مورد ارتباط قشر خاصی (روحانیت و

جوانان) بیان شده، در آن نیز همان‌طور که از موضوع و هدف تحقیق برمی‌آید الگوی جامع ارتباطات انسانی دیده نمی‌شود.

روش پژوهش

در این مقاله برای استخراج نظرات آیت‌... جوادی آملی از روش فراترکیب استفاده شده است. فراترکیب^۱ به‌عنوان روش کیفی معادل فراتحلیل^۲ کمی است، فراترکیب فرایندی است برای ترکیب و یکپارچه‌سازی مطالعات انجام‌یافته کیفی درباره موضوع خاص جهت توصیف، تحلیل، تفسیر و تبیین همان اهداف یا اهداف جدید. فراترکیب متمرکز بر مطالعات کیفی بوده، و بازخوانی مطالعات کیفی به همخوانی موضوعات و فهم عمیق پژوهشگر بستگی دارد. از نظر نوبل و هابر فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر مرتبط با موضوع و مشابه آن را بررسی می‌کند و با فراهم کردن نگرش سیستماتیک برای محققان، از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، به کشف موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد (نوبل و هابر، ۱۹۸۸). در این مقاله آثار جوادی آملی همچون «ولایت‌فقیه، شریعت در آینه معرفت، تفسیر تسنیم، فطرت در قرآن، انتظار بشر از دین، نسبت دین و دنیا، حیات حقیقی انسان در قرآن، سرچشمه اندیشه، دین‌شناسی، پیامبر رحمت، تفسیر انسان به انسان، حق و تکلیف در اسلام، شمیم ولایت، هدایت در قرآن، اسلام و محیط‌زیست، روابط بین‌الملل و جامعه در قرآن» بر اساس روش فراترکیب، عناصر و الگوی هنجاری ارتباطات انسانی آیت‌... جوادی آملی توصیف و استخراج گردید.

نوبل و هابر «انتخاب پژوهش‌های انجام‌یافته»، «شیوه ترکیب آنها»، و «ارائه، توصیف و تبیین آنها» را سه مرحله اصلی برای انجام پژوهش فراترکیب برشمرده‌اند (نوبل و هابر، ۱۹۸۸). ساندلوسکی و باروز برای انجام پژوهش

۱. Meta-Synthesis

۲. Meta-Analysis

فرا ترکیب هفت مرحله «تنظیم سؤال پژوهش»، «مرور نظام مند بر پیشینه‌ها»، «جستجو و انتخاب متون مناسب»، «استخراج اطلاعات متون»، «ترکیب یافته‌ها و تجزیه و تحلیل آنها»، «کنترل پایایی و روایی» و «ارائه گزارش و یافته‌ها» پیشنهاد کرده‌اند (Sandelowski and Barros, ۲۰۰۷) همین مراحل هفت‌گانه در این مقاله به کار برده شده است.

ارتباطات انسانی

- معنای ارتباطات

واژه «ارتباط» واژه‌ای عربی است که از ریشه «ربط» گرفته شده و در زبان فارسی معادلی برای اصطلاح communication بوده و از ریشه لاتین communis به معنای اشتراک، گرفته شده است. این کلمه در زبان فارسی به صورت مصدر عربی باب افتعال به کار می‌رود که در لغت به معنای پیوند دادن و ربط دادن و به صورت اسم مصدر به معنای بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه کاربرد دارد (معین، ۱۳۴۲: ۱۲۸). علی‌اکبر دهخدا ذیل واژه ارتباط می‌نویسد: ربط، بستن، بر بستن، بیستن، بستن چیزی را با چیز دیگر، مواصلت کردن، ربط به کسی دادن به دوستی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۴۳). در فرهنگ لغات وبستر «communication»، عمل ارتباط برقرار کردن تعریف شده است و از معادل‌هایی نظیر رساندن، بخشیدن، انتقال دادن، آگاه ساختن، مکالمه و مراوده داشتن، استفاده شده است.

برای واژه ارتباط و ارتباطات برخی از تعاریف صرفاً درصدد توضیح دقیق وضعیت مکانیکی ارتباطات انسانی هستند اما با توجه به اینکه در این تحقیق الگوی هنجاری ارتباطات انسانی، اصول اخلاقی و الزامات حقوقی بررسی می‌شود؛ لذا آن تعریفی که به معنای اتخاذ شده در این تحقیق نزدیک‌تر است و مفهوم دقیق‌تری از ارتباطات انسانی را می‌رساند تعریف علی‌اکبر فرهنگ است؛ یعنی «ارتباط» به مجموعه فعالیت‌های: گفتاری، نوشتاری و کرداری یا حرکتی که برای انتقال معنی یا مفهوم و یا اثرگذاری و نفوذ از فردی به فردی یا دیگران به کار می‌روند گفته می‌شود (فرهنگی، آذری، ۱۳۸۱: ۹۱).

آیت... جوادی آملی ارتباط انسانی را بر اساس آیه (یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا...) (آل عمران: ۲۰۰) نوعی ترابط فکری بین دو یا چند انسان می‌داند. ایشان در تفسیر آیه ۲۰۰ آل عمران می‌فرماید: برای ارتباط متقابل، باید تفاهم صورت گیرد و انسان‌ها سخن یکدیگر را درک کنند و درک سخن دیگران، با تدبیر و تفکر در مکتب و عقیده آنان صورت می‌پذیرد. ارتباط دو انسان تنها با دانستن زبان یکدیگر مقدور نمی‌شود؛ مثلاً برای فهمیدن سخن یک عرب‌زبان، دانستن زبان عربی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن، لازم است که از فکر و مکتب و عقیده او نیز باخبر بود و این دستور قرآن به ترابط انسان‌ها یکی از بهترین تشویق‌ها برای تفکر و آزادی اندیشه و تعامل فرهنگ‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۶۷: ۳۸).

پس از تحقیق و بررسی در کتب و بیانات آیت... جوادی آملی اکثراً واژه‌های ارتباط و رابطه در یک معنا به‌کاررفته و عباراتی که در خصوص ارتباطات انسانی توسط استاد استفاده شده است عبارت‌اند از: «ارتباط، روابط، معاشرت» که در این بین تعبیر به «معاشرت» نسبت به بقیه تعبیر به موضوع ارتباطات انسانی مورد بحث در این تحقیق نزدیک‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸۱).

ما در مطالعه ارتباطات، با انواع پیوندهای اجتماعی در جامعه سروکار داریم.

الف) تقسیم ارتباط به لحاظ موضوع (ارتباط‌گیر)

موضوع برقراری ارتباط در یکی از ابعاد زیر مطرح می‌شود:

۱. ارتباط درون فردی یا ارتباط انسان با خود؛ مانند تفکر، تصمیم‌گیری، گوش دادن، خودنگری و...
۲. ارتباط انسان با خالق خود
۳. ارتباط میان فردی یا ارتباط انسان با هم‌نوع خود مانند گفتگو، مصاحبه، مذاکره، مشاجره
۴. ارتباط انسان با طبیعت، حیوانات یا جهان پیرامون (همان)

آیت... جوادی آملی نیز همانند دیگران روابط انسان در نظام هستی را چهار نوع می‌داند: ۱- ارتباط با خویشتن. ۲- ارتباط با خدا. ۳- ارتباط با طبیعت. ۴- ارتباط با دیگران (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۶۵).

ب) تقسیم ارتباط به لحاظ کارکرد

ارتباط از لحاظ کارکرد (میلر، ۱۳۶۸: ۲۲۸) به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود. برلو در این مورد می‌گوید که ارتباط میان دو یا چند نفر که به طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند، معمولاً بر سه نوع است.

۱. ارتباطات تولیدی: ارتباطی که می‌توان آن را تولید نامید و برای انجام کاری برقرار می‌شود.

۲. ارتباطات ابداعی: ارتباطی که در جهت ابداع است و هدف آن ایجاد دگرگونی و آفرینش ایده‌های تازه است.

۳. ارتباطی که هدفش حفظ و بقا است؛ چه بقای هویت فرد و چه حفظ روابط بین افراد (حفاظی، ۱۳۶۹: ۳۵).

ج) تقسیم ارتباط به لحاظ ارتباط گران

ارتباط گاهی از منظر ارتباط گران به «ارتباط با خود»، «ارتباط میان فردی»، «ارتباط گروهی»، «ارتباط عمومی» تقسیم می‌شود (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۳).

د) تقسیم ارتباط به لحاظ روش و شیوه برقراری ارتباط

ارتباط خصوصی و بدون واسطه، ارتباطی است فوری و رودررو.

۱. ارتباط جمعی: ارتباط توده‌ای یا عمومی تعبیر جدیدی برای مفهوم «mass media» می‌باشد که توسط جامعه‌شناسان آمریکایی ابداع شده است. در این نوع پیوند، اطلاعات به شکل غیرمستقیم از طریق رسانه‌های جمعی بین افراد جامعه پخش می‌شود (دهقان‌پور فراشاه، ۱۳۸۷: ۲۱-۱۷).

در این تحقیق از بین انواع ارتباطات انسانی تنها ارتباط انسان با انسان مدنظر می‌باشد چه این ارتباط از نوع ارتباط میان فردی، چه ارتباط گروهی و چه ارتباط

عمومی بوده و همچنین چه این ارتباط با انواع ابزارهای ارتباط جمعی و چه ارتباط خصوصی و بدون واسطه باشد.

- معنای انسان

اگرچه ارتباطات انسانی، اصطلاحی در مقابل ارتباطات جمعی است و واژه انسان به تنهایی مورد بحث این مقاله نیست اما با توجه به اینکه در اندیشه آیت... جوادی آملی، ارتباطات انسان در مقابل ارتباطات جمعی به کار گرفته نشده است و همان‌طور که قبلاً (در معنای هنجار) بدان اشاره شد ارتباطات هنجاری انسان، اتحادی وثیق با فطرت انسان دارد. بنابراین معنای انسان از دیدگاه آیت... جوادی آملی به عنوان ظرفی برای مظهر فطرت اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. واژه انسان در لغت از ریشه انس به معنای «الفت گرفتن»، مشتق شده است. بدان جهت انسان، انسان نامیده شده که آفرینش او به گونه‌ای است که جز با انس گرفتن برخی افرادش با یکدیگر قوام نمی‌یابد و یا از این رو که با هر چه مألوف شود انس می‌گیرد و یا از ریشه نسیان اقتباس گردیده و از این رو انسان نام گرفته که عهد الهی را فراموش کرده است (بشیری، ۱۳۸۸: ۲۵).

در تعریف اصطلاحی متکلمان امامیه، حقیقت انسان را از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث قرار داده‌اند (اسلامی، ۱۳۸۶: ۹-۱۲). اما دیدگاهی که مورد توجه و نظر آیت... جوادی آملی است این دیدگاه است که «انسان اتحادی از روح و جسم است».

آیت... جوادی آملی ضمن پذیرش این دیدگاه معتقد است بهترین پاسخ درباره اینکه «ماهیت و حقیقت انسان چیست» را باید انسان آفرین بدهد، نه خود انسان. از نظر ایشان گرچه در اندیشه‌های رایج، انسان به حیوان ناطق تعریف شده؛ ولی این تعریف ناظر به ماهیت انسان متعارف و عادی است و انسان به لحاظ مرتبه وجودی نه ماهوی تعریف دیگری نیز دارد که دارای جنس و فصل ماهوی نیست، چنانکه در مقام وجود توجه به هویت موجود ملاک و معیار است، نه ماهیت یعنی جنس (حیوان) و فصل (ناطق)؛ لذا با این نگاه، در فلسفه و عرفان، از انسان به

«کون جامع» تعبیر می‌کنند؛ یعنی انسان جامع جمیع عوالم است و همه عوالم سایه او محسوب می‌شوند.

عرفای شیعه، انسان را مظهر تام خداوند متعال و حقیقت وی را مجلات اسم اعظم دانسته‌اند. فلاسفه معتقدند که نفس انسان حقیقتی است که بالقوه عوالم و نشئه‌های سه‌گانه وجود را داراست و درعین حال وحدت شخصی او محفوظ است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۸۱). نتیجه نگرش عمیق و عاقلانه در معنا و حقیقت انسان همین معنایی است که حکیمان و عارفان مسلمان به دست داده‌اند. آیت... جوادی آملی حقیقت و ماهیت انسان را با توجه به مبانی قرآنی این‌گونه تعریف می‌کنند:

«انسان حی متألّه است نه حیوان ناطق و نه حیوان متألّه»

چون در خلقت او فطرت آمده و این فطرت حدّ وجودی او است نه حد ماهوی او. انسان حی متألّه است یعنی زنده‌ای است که در الوهیت آفریدگار خود ذوب‌شده و هرگز به غیر خدا نمی‌اندیشد و به غیر خدا گرایش ندارد و از غیر خدا گزارش نمی‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۹۲).

نظام و هندسه ارتباطات انسانی از دیدگاه آیت... جوادی آملی

آیت... جوادی آملی وظیفه ارتباطی انسان مؤمن را در سه حوزه اسلامی، توحیدی و انسانی تبیین می‌نمایند. ایشان در سخنرانی خود در همایش «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه» به تشریح این حوزه‌ها با دو سؤال اصلی می‌پردازند:

رفتار ما در قبال مسلمانان، موحدان و ملحدان چگونه باید باشد؟

۲. به عبارت دیگر روابط ما در حوزه‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی چگونه باید باشد؟

ایشان در حوزه اسلامی معیار عقیده و میزان ارتباط با مبدأ هستی و در حوزه‌های توحیدی و انسانی معیار فطرت مشترک انسان‌ها را به‌عنوان محور پذیرفته و روابط انسانی را بر اساس این معیارها تنظیم می‌نمایند.

آیت... جوادی آملی ارتباطات در حوزه اسلامی را با تعبیر محلی، ارتباطات در حوزه توحیدی را با تعبیر منطقه‌ای و ارتباطات در حوزه انسانی را با تعبیر

بین‌المللی نام‌گذاری کرده و در توضیح این تعبیر می‌فرماید: ارتباط محلی، ارتباط با دورترین مسلمانان خاور نزدیک و دور یا باختر دور و نزدیک را دربرمی‌گیرد. حوزه منطقه‌ای مربوط به موحدان است، در این خصوص باید بدانیم که با مسیحی‌ها، یهودی‌ها، زردشتی‌ها و همه کسانی که خدا را قبول دارند چگونه رفتار کنیم. حوزه بین‌المللی نیز مربوط به انسانیت است و همه افراد حتی کفار و مشرکین را شامل می‌شود (شریف لک زایی، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۸۹).

آیت... جوادی آملی اگرچه در خصوص حوزه‌های سه‌گانه ارتباطی انسان، مدلی ارائه کرده و نظامی مشخص کرده‌اند. اما در خصوص قلمروهای ارتباطی و فرایند ارتباطات انسانی در درون هر حوزه به صورت مدون و یکجا طرحی ارائه نکرده‌اند اما با استقراء از مجموع بیانات ایشان می‌توان به قلمروهای ده‌گانه‌ای دست یافت که ارائه‌دهنده و نظام ارتباطات اجتماعی انسان را آسان می‌کند.

با بررسی ارتباطات یک مؤمن در اندیشه آیت... جوادی آملی و در ساحت‌های ارتباطی مختلف، به این نتیجه دست می‌یابیم که ارتباط انسان مؤمن در اوج ولایت و محبت با پیامبر خدا (ص) گره می‌خورد. آیت... جوادی آملی در کتاب «پیامبر رحمت» روایتی را از رسول اکرم (ص) نقل می‌فرماید که نشان‌دهنده این حقیقت است که ارتباط با پیامبر و اهل بیت ایشان در کنار ایمان به خدا بوده و از بالاترین اهمیت در مجموع قلمروهای ارتباطی برخوردار است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). همچنین ایشان طبق آیه شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» اطاعت از اولی الامر را واجب می‌داند. این اطاعت در زمان حضور امام با رعایت اوامر و نواهی آن امام معصوم تحقق می‌یابد و در زمان غیبت با پیروی از فقیه جامع‌الشرایط که از طرف امامان معصوم (علیهم‌السلام) نصب شده است. همان گونه که اگر در زمان حضور، امام، شخصی را به فرماندهی یا ولایت بر کسانی نصب می‌کرد، اطاعت از او بر مردم واجب بود و وی بر مردم ولایت داشت، در زمان غیبت نیز فقیه جامع‌الشرایط که نیابت عام از حضرات معصومان (علیهم‌السلام) دارد، دارای ولایت است، چنان‌که امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینہ، مخالفاً علی هواه، مطیعاً

لأمر مولاہ، فللعوام أن یقلدوہ (مجلسی، ج ۲۷: ۱۳۱)، هرکسی از فقہا کہ خود نگہدار بودہ و محافظ دین و مخالف هوای نفسش و همچنین مطیع امر مولای خود باشد بر دیگران (عوام مردم) واجب است از او تقلید نمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۷۹).

آیت... جوادی آملی بر اساس آیه ۳۶ سوره نساء کہ آشکارترین نمونه‌های کلمات جامع و فراگیر اعطاشده به پیامبر (ص) و در حوزه ارتباطات انسانی است، ارتباط انسان با برخی از مهم‌ترین قلمروهای ارتباطی کہ به نوعی قلمروهایی بین‌المللی هستند را در کنار مسئله توحید تبیین می‌نماید (واعبدوا اللهَ ولا تُشْرکوا به شیئا وبالوالدین احساناً وبذی القربى والیتامی والمساکین والجار ذی القربى والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبیل وما ملکت ایمانکم ان الله لا یحب من کان مُختالاً فخوراً) (نساء: ۳۶).

در کنار توحید خدای سبحان، احسان به والدین آمده است. عطف جار و مجرور (بالوالدین) به جار و مجرور (به) در (لا تُشْرکوا به) می‌فهماند کہ نباید در احسان به آنان نیز شرک ورزید.

پس از سفارش به والدین، احسان و نیکی کردن به ارحام و ایتام و مساکین ذکر شده است. «ذی القربى» همان ارحام‌اند؛ خواه همسایه باشند یا نه. «یتیم» کسی است کہ پدر و سرپرست ندارد. «مسکین» نیازمندی است کہ بر اثر فقر به سکون محکوم شده و توان حرکت ندارد.

باتوجه‌به اینکه کلمه «ذی القربى» در قرآن نوعاً به معنای قرابت رحمی و معنوی است نه نزدیکی مکانی، بعید نیست کہ (الجار ذی القربى) به معنای همسایه ارحام و دارای قرابت خانوادگی باشد؛ و (والجار الجنب) همسایه دور یا اجنبی (بدون نزدیکی) و بیگانه بدون خویشی. به هر روی، باینکه قبلاً در آیه نسبت به ارحام سفارش شده، برای اهمیت مسئله دوباره ذکر شده است کہ به همسایه ارحام باید کاملاً احسان کرد، بنابراین، همسایه مسلمانی کہ از نظر مکانی نزدیک است و از ارحام است، سه حق: «حق همسایگی» (حق الجوار)، «حقی کہ مسلمان بر مسلمان دیگر دارد» (حق الاسلام) و «حق خویشاوندی» (حق الرحمه) دارد.

کلمه «جَنَب» به معنای کنار نزدیک است و (الصَّاحِبِ بِالْجَنَبِ) یعنی کسی که با شخصی انس و مصاحبتی دارد؛ چه در محیط منزل یا محل کار یا در مجامع و محافل دیگر، بنابراین، به خانواده، ارحام و اقربا، هم‌نشین، همسایه، همکار، شریک، همراه، هم‌سفر و هرکسی که به‌نوعی با انسان رابطه دارد باید احسان کرد. مراد از (ابن السَّبِيلِ) در این آیه وامانده راه و مستحق زکات نیست، بلکه مسافرانی ناآشناوند که در راه بوده و تنها با عنوان سفر شناخته می‌شوند و شایسته احسان‌اند؛ گرچه نیاز مادی نداشته باشند. بردگان نیز که از محروم‌ترین افراد جامعه هستند باید از احسان بهره‌مند گردند: (وما مَلَکَت ایمانکم). بهترین قسم احسان به بردگان آزاد کردن و اعانت آنان در مکاتبه و آزاد شدن تدریجی است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۵۹۹ - ۶۰۴).

آخرین قلمرو در حوزه ارتباطات جامعه اسلامی ارتباط با جامعه ایمانی است. آیت... جوادی آملی بر اساس آیات قرآن کریم همه مؤمنان را اعضای یک خانواده دانسته، میان آنها پیوند اخوت برقرار کرده است.

از بیانات آیت... جوادی آملی تا اینجا مشخص می‌شود قلمروهای ارتباطی در حوزه جامعه اسلامی، شامل ارتباط با پیامبر و امام و در غیاب ایشان، فقیه جامع شرایط که در رأس ارتباطات انسانی است آغاز شده و در نهایت به ارتباط با مؤمنین و مسلمانان ختم می‌شود. در این بین قلمروها، ارتباط با پدر و مادر، ارتباط با همسر، فرزندان و خویشان (ذوی القربی)، ارتباط با یتیمان و مساکین، ارتباط با همسایه، هم‌نشین و همراه وجود دارد که به‌نوعی ارتباطات بین‌المللی (مشترک بین هر سه حوزه اسلامی، توحیدی و انسانی) است.

قلمروهای ارتباطی در حوزه جوامع توحیدی که مربوط به موحدان است، نیز شامل ارتباط با پدر و مادر، ارتباط با همسر، فرزندان و خویشان (ذوی القربی)، ارتباط با یتیمان و مساکین، ارتباط با همسایه، هم‌نشین و همراه و در نهایت ارتباط با مسیحی‌ها، یهودی‌ها، زردشتی‌ها و همه کسانی که خدا را قبول دارند می‌باشد. در حوزه جامعه انسانی، قلمروهای ارتباطی مربوط به کفار و مشرکین است، در این حوزه نیز ارتباط با پدر و مادر، ارتباط با همسر، فرزندان و خویشان (ذوی

القربی)، ارتباط با یتیمان و مساکین، ارتباط با همسایه، هم‌نشین و همراه و در نهایت ارتباط با کفار و مشرکین و کسانی که خدا را قبول ندارند و یا برای او شریک قائل‌اند، متصور می‌باشد. لازم به ذکر است که در هر جامعه‌ای اگر حاکمانی غیرالهی حکمرانی کنند طاغوت شکل گرفته و اسلام وظیفه انسان مؤمن در ارتباط با طاغوت را به وضوح بیان می‌دارد که در قسمت شاخصه‌های خرد به آن اشاره شده است. البته در میان مؤمنین اگر طبق دستور الهی که اجتناب از طاغوت است عمل نشود یعنی علی‌رغم ادعای پذیرش اسلام در ظاهر، حکومت طاغوت برای عده‌ای مورد پذیرش باشد، مسئله نفاق شکل گرفته و به‌عنوان یک قلمرو در میان مسلمین ایجاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۱۳).

قلمرو دیگری که در ارتباطات انسانی و در هر جامعه‌ای ممکن است وجود داشته باشد و آیت... جوادی آملی نیز به خوبی به آن پرداخته است ارتباط با مستکبران است. مستکبران کسانی هستند که مسلمانان را رها نمی‌کنند و خون و مال و عرض آنان را برای خود حلال می‌شمارند و هیچ پیمانی یا قطعنامه‌ای را هم محترم و اجرایی نمی‌شمارند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۰۸).

بنابراین اگر بخواهیم، همه این قلمروهایی که انسان مؤمن با آنها ارتباط دارد و هرکدام آداب هنجاری خاصی در اسلام برای آنها تعریف شده است را نام ببریم، عبارت‌اند از:

- ارتباط با پیامبر، امام و نایب خاص و عام ایشان
- ارتباط با پدر و مادر
- ارتباط با همسر، فرزندان و خویشان
- ارتباط با یتیمان و مساکین
- ارتباط با همسایه، هم‌نشین و همراه
- ارتباط با مؤمنین و مسلمین
- ارتباط با موحدان و اهل کتاب
- ارتباط با کفار و مشرکین
- ارتباط با طاغوت و منافقین

• ارتباط با مستکبرین

شاخصه‌های کلان ارتباطات انسانی

آیت... جوادی آملی پایه‌های زندگی اجتماعی و روابط انسانی در اسلام را با استفاده از آیات و روایات بر چند اصل و شاخصه کلان استوار می‌داند و معتقد است تمام تعالیم آسمانی اسلام برمدار این اصول می‌گردد.

- اصل توحید

اسلام، زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید (یکتاپرستی) را عامل سعادت و پیشرفت می‌خواند و اندکی دقت در تعالیم اسلام معلوم می‌سازد که تمام قوانین اسلامی بر اساس توحید وضع شده‌اند. هرگونه روابط انسانی در حیات اجتماعی از قبیل روابط فرهنگی و تربیتی، مشارکت تجاری و اقتصادی، قراردادهای سیاسی و نظامی بر مبنای همین اصل تنظیم شده‌اند. در حقیقت، این دسته از مسائل در زندگی اجتماعی، اموری نازل از مقام توحید است و مراتب صاعد آنها همان مقام عالی توحید است، پس توحید، جامع همه تعالیم الهی است. اگر روابط زندگی بر پایه توحید قرار گیرد، نمی‌توان مدار زندگی را به دنیای مادی محدود دانست و هر نوع بهره‌کشی نیرومندان از ضعیفان را تجویز کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۹).

- اصل عدالت

دومین اصل طبق نظر آیت... جوادی آملی که قوام حقیقت حیات انسانی به آن است اصل عدالت است. دادگری همانند اصل توحید ریشه در نظام تکوین دارد: بالعدل قامت السموات و الأرض (ابن ابی جمهور، ج ۴: ۱۰۳)، بنابراین نادیده انگاشتن قسط و عدل، مخالفت با نظام طبیعی و اهتمام به آن، هماهنگی با نظام هستی است. عمل به عدالت در زندگی اجتماعی از مهم‌ترین تکالیف الهی مسلمانان بوده و ظلم به حقوق دیگران از محرّمات و معاصی بزرگ به شمار می‌آید: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) (نساء: ۵۸) رعایت اصل عدالت، به حیطة زندگی اجتماعی

مسلمانان محدود نمی‌شود، بلکه آنان مکلف‌اند با نامسلمانانی که به آنها ستم نکرده‌اند با عدالت رفتار کنند: (سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكَمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (مائده: ۴۲)، پس در همه امور باید اصل عدالت اجرا شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

- اصل حسن معاشرت

از دیگر اصول کلی و بین‌المللی روابط اجتماعی اسلام، از دیدگاه آیت‌ا... جوادی آملی حسن معاشرت با دیگران است. قرآن کریم نخست دستور به حسن گفتار با مردم را داده است: (وقولوا للناس حسنا) (بقره: ۸۳) و شاهدی بر انصراف آن به خصوص حوزه اسلام و ایمان وجود ندارد. البته این عموم یا اطلاق همانند عموم‌ها و اطلاق‌های دیگر قابل تخصیص و تقیید است. آنان که در فرهنگ قرآن مشمول (إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا) (فرقان: ۴۴) و نیز مصداق شیاطین الانس‌اند (انعام: ۱۱۲) مشمول جدی دستور به حسن قول نخواهند بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۵۹).

- اصل وحدت

افراد بشر یا دارای نسب‌نامه خانوادگی‌اند؛ یا دارای پایگاه فکری و اعتقادی واحد و مشترکی‌اند که آنان را برادر یکدیگر می‌کند: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) (حجرات: ۱۰)؛ یا دارای پایگاه مشترک تکوینی‌اند که منبع اصلی همه آنها پدر و مادر واحد است که گذشته از وحدت نوعی انسانی و اشتراک انسان‌ها در حقیقت واحد انسانیت، انتساب همگان به یک پدر و مادر را تأمین می‌کند. بر اساس همین وحدت نوعی و نسبی است که دین خدا به جامعه اسلامی، درباره حوزه داخلی به رأفت و رحمت دستور می‌دهد: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ) (حجرات: ۱۰) و هم درباره جوامع انسانی مسلمان یا نامسلمانان به رعایت ادب و احترام و معاشرتی نیکو: (قولوا للناس حسنا). (بقره: ۸۳) فرمان

حسن معاشرت با همه انسان‌ها که از احکام بین‌المللی اسلام است، جز با وحدت نوعی و اتحاد نسبی بشر زمینه امتثال و اجرا نمی‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶۷۳).

- اصل عقلانیت

آیت... جوادی آملی یکی از راه‌های سامان بخشیدن به ارتباطات انسانی را عنصر عقلانیت یا حرف خوب زدن می‌داند. ایشان در سخنرانی خود در جمع اساتید و دانشجویان دانشکده ارتباطات دانشگاه تهران می‌فرمایند: کسی که حرف خوب می‌زند جهانی است و جامعه بشریت او را می‌پذیرد. حرف خوب زدن را عقلانیت به عهده دارد انسان تا مطلب برایش روشن نشود برهانی نشود این مطلب را نه بنویسد و نه بگوید در جوامع روایی ما هم آمده است «کفی بالمرء کذباً أن یحدث بکلّ ما سمع». در دروغ افراد همین بس که هر چه را شنید بگوید (جوادی آملی، بیانات، ۱۳۹۱).

- اصل صداقت

آیت... جوادی آملی یکی دیگر از راه‌های سامان بخشیدن به ارتباطات انسانی را عنصر صداقت برمی‌شمرد. صداقت یا خوب حرف زدن، یعنی هنرمندانه حرف زدن و ادب در گفتار. انسان کسی را نرنجاند و دروغ هم نگوید. ایشان در مقام تشبیه می‌فرمایند: وقتی انسان با ادب حرف بزند، هنرمندانه حرف بزند و خوب حرف بزند مثل اینکه یک انسان تشنه را وقتی بخواهید سیراب کنید اگر آن آب لطیف را در یک ظرف کثیف و آلوده بریزید او از این آب نمی‌خورد و رنج تشنگی را هم تحمل می‌کند اما وقتی در ظرف بلورین به او آب بدهید کاملاً می‌نوشد و سیراب می‌شود و عطش او رفع می‌شود. قلم پاک، این ظرف بلورین است، بیان پاک، این ظرف بلورین است، گفتار پاک، این ظرف بلورین است، ارتباطات صحیح، این ظرف بلورین است، صداقت، این ظرف بلورین است آن مظهر عقلانیت را انسان در این ظرف‌ها می‌ریزد و ارائه می‌دهد (همان).

- شاخصه‌های خُرد ارتباطات انسانی

همان گونه که قبلاً اشاره شد، از مجموع بیانات و نوشته‌های آیت... جوادی آملی این گونه استفاده می‌شود که مهم‌ترین ارتباطات مؤمن در حوزه اسلامی ارتباط با پیامبر صلی‌الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم‌السلام و نائبان خاص یا عام ایشان می‌باشد. ایشان در گام‌های بعدی ارتباط با والدین، همسر و فرزندان، خویشان، یتیمان و مساکین، همسایه، هم‌نشین، همراه و جامعه مؤمنین و مسلمین را دارای اهمیت دانسته و برای هر قلمرو آداب و دستوراتی ارائه می‌دهد.

ارتباط در حوزه توحیدی همان ارتباط با اهل کتاب است که در عقیده خداپاوری و خداپرستی با انسان مؤمن مشترک هستند. همچنین ارتباط در حوزه انسانی شامل ارتباط با کفار و مشرکینی است که یا تحت لوای حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و یا تحت نظر طاغوت بوده اما قصد مانع‌تراشی برای اجرای احکام اسلام را ندارند. ارتباط با طاغوت در خارج از جامعه اسلامی و ارتباط با منافقین در داخل جامعه مسلمان و همچنین ارتباط با مستکبران و کسانی که مانع ترویج دین خدا شده و اجرای احکام خداوند متعال را با چالش مواجه می‌کنند خود قلمروهای مستقلی است که ارتباط انسان مؤمن با آنها در شرایط خاص و به‌صورت ویژه‌ای تعریف شده است. با توجه به مطالب بیان‌شده و پیشنهاد الگوی هنجاری ارتباطات می‌بایست شاخصه‌های خُرد هر حوزه و قلمرو ارتباطی طبق نظر آیت... جوادی آملی مورد واکاوی قرار گیرد.

- ارتباطات انسان مؤمن در حوزه اسلامی

با توجه به اینکه در جامعه اسلامی رابطه انسان مؤمن در قلمروهای متعدد و متفاوتی تعریف می‌شود و از طرفی نوع ارتباط در هر قلمرو در عین حال که تحت یک اصول کلی و شاخصه‌های کلان وجود دارد دارای شاخصه‌های جزئی و خرد نیز می‌باشد؛ لذا در این بخش به بیان این شاخصه‌ها از دیدگاه آیت... جوادی آملی می‌پردازیم.

- ارتباط با پیامبر، امام و نائبان خاص و عام ایشان (حاکمان جامعه اسلامی)
الف) محبت به پیامبر اولین لایه ارتباطی مؤمنین

پیامبر گرامی (ص) مظهر محبت کامل حق است، زیرا خدای سبحان رسولش را محور حب قرار داد و فرمود: (قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله) (آل عمران: ۳۱) پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لا یؤمن عبد حتی أکون أحب إلیه من نفسه و یكون عترتی أحب إلیه من عترته و یكون أهلی أحب إلیه من أهله و یكون ذاتی أحب إلیه من ذاته» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۷: ۱۳)؛ ایمان بنده‌ای کامل نمی‌شود، مگر اینکه من نزد او از خود او محبوب‌تر باشم (علاقه‌اش به من بیشتر از خودش باشد) و عترت من نزد او، محبوب‌تر از عترت خودش و اهل بیت من پیش او، محبوب‌تر از اهل بیت خودش و ذات من پیش او، محبوب‌تر از ذات خودش باشد.

ب) اطاعت از پیامبر مهم‌ترین رکن ارتباط با ولی خدا

رسول گرامی (ص) که منزّه از ضلالت و غوایت و واجد همه علوم و معارف بوده است، مدار اطاعت الهی قرار گرفت و خدای سبحان طی آیات مختلف، فرمان پیروی از او را بیان فرمود: (اطیعوا الله و الرسول فان تولّوا...) (آل عمران: ۳۲)؛ (اطیعوا الله و الرسول لعلک ترحمون) (آل عمران: ۱۳۲)؛ رحمت در آیه، رحمت خاص است که در پرتو اطاعت از خدا و پیامبر نصیب انسان می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

- ارتباط با امام

آیت‌ا... جوادی آملی در معنای رباط، در آیه پایانی سوره آل عمران (یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا...) احتمالات مختلفی را بررسی می‌کند که یکی از معانی آن را ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه مطرح کرده و معتقد است بر پایه آیه (واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا) (آل عمران: ۱۰۳) شکل می‌گیرد. مهم‌تر از آنکه از بارزترین مصادیق آیه است، ارتباط با امام و اولیای دین و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است که اگر حاصل شود، تضمین‌کننده سعادت و سیادت دنیا و آخرت مردم و نظام اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۷۹۲).

- ارتباط با فقیه

در دیدگاه آیت... جوادی آملی طبق آیه شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» اطاعت از اولی الامر واجب است. این اطاعت در زمان حضور امام با رعایت اوامر و نواهی آن امام معصوم تحقق می‌یابد و در زمان غیبت با پیروی از فقیه جامع‌الشرایط که از طرف امامان معصوم (علیهم‌السلام) نصب شده است. همان گونه که اگر در زمان حضور، امام، شخصی را به فرماندهی یا ولایت بر کسانی نصب می‌کرد، اطاعت از او واجب بود و وی بر مردم ولایت داشت، در زمان غیبت نیز فقیه جامع‌الشرایط، دارای ولایت است، (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۷۹) چنان‌که امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: من جاء من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً علی هواه، مطیعاً لأمر مولاه، فللعوام أن یقلدوه (شیخ حر عاملی، ج ۲۷: ۱۳۱).

هرکسی از فقهاء که خود نگهدار، محافظ دین خود، مخالف هوای نفس خود و مطیع امر امام خود باشد بر دیگران واجب است او تقلید کنند.

- ارتباط با والدین

آیت... جوادی آملی طبق آیات قرآن کریم آغاز هدایت جامعه را از افراد خانواده می‌داند؛ زیرا جامعه را قوم و قبیله و عشیره و گروه می‌سازد و هر یک از اینها نیز از کانون خانواده و افراد آن سرچشمه می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۴) ایشان معتقد است، قرآن در رابطه فرزندان و والدین، بر احترام به والدین و تشکر از زحمات آنان، به‌ویژه مادر، تأکید می‌فرماید؛ خدای سبحان احترام به پدر و مادر و اطاعت و سپاسگزاری از آنان را در کنار شکر و پرستش خویش می‌آورد تا عنایت و اهتمام خود به این امر را نشان دهد. در مکتب قرآن و اسلام، فرزندان باید با والدین خود با قول کریم و فروتنی گفت‌وگو کنند و در حق پدر و مادر خداپرست

خویش دعای خیر و درخواست مغفرت داشته باشند^۱ (جوادی آملی، ۱۳۷۹:۳۷۱-۳۷۳).

- ارتباط با همسر، فرزندان و خویشان

خدای سبحان، ضمن اینکه نسبت به والدین، امر به احسان می‌کند، عقوق و عصیان آنان را حرام می‌داند ولی برای همسران، تنها در حکمی کلی رعایت حقوق آنان را لازم دانسته است: (وعاشروهنّ بالمعروف) (نساء: ۱۹) و برای فرزندان نیز تنها به رعایت مسائل مالی آنان سفارش کرده، می‌گوید: (یوصیکم الله فی أولادکم للذکر مثل حظّ الأُنثیین) (نساء: ۱۱) و البته فتنه بودن و ناپایدار بودن آنان را گوشزد می‌کند: (أَئِمَّا أَمْوَالِکُمْ وَأَوْلَادِکُمْ فَتَنَهُ) (انفال: ۲۸)، همچنین اگرچه اسلام خویشاوندان را در اولویت ارتباطی قرار داده و برای انواع آن احکام و دستوراتی مثل صلّه ارحام، ارث، اولویت پرداخت زکات و... صادر کرده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۶۲). اما در هیچ‌یک از این موارد (همسر، فرزندان و خویشان) تعبیر به وجوب احسان و نیز حرمت عقوق ندارد و در پاره‌ای از موارد به دشمن بودن بعضی از آنها درعین حالی که قطع رحم را جایز نمی‌داند، اشاره می‌کند.^۲ (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۷۷).

- ارتباط با یتیمان و مساکین

ارتباط و حسن معاشرت با یتیمان و مساکین از مواردی است که در قرآن و در بیان آیت... جوادی آملی به آن تأکید بسیار شده است. توصیه به عدم بی‌مهری و اذیت یتیمان، پرستاری و احسان به ایشان، پرهیز از تصرف و سوءاستفاده از اموال

۱. (و بالوالدین إحساناً إِمَّا یبلغنّ عندک الکبیر أحدهما أو کلاهما فلا تقل لهما أفّ و لا تنهرهما و قل لهما قولاً کریماً و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمة و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً) (اسراء: ۲۳ - ۲۴).

۲. (یا ایها الذّین آمنوا إنّ من أزواجکم وأولادکم عدوّاً لکم فاحذروهم) (تغابن: ۱۴).

ایشان و درنهایت «معاشرت بر اساس احسان و مصلحت» یتیمان طبق آیات شریفه^۱ از آداب رفتاری با ایشان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۷۷).

- ارتباط با همسایه هم‌نشین و همراه

رعایت حق همسایه بر اساس آیه (وَالْجَارِ الْجُنُبِ) حتی اگر همسایه دور یا اجنبی (بدون نزدیکی) و بیگانه بدون خویشی^۲ باشد، لازم است. آیت... جوادی آملی بر اساس مبانی دینی معتقد است ارتباط با همسایه در حاشیه ارتباطات خانوادگی قرار دارد؛ چرا که ارتباطات خویشاوندی بدون خانواده و ارتباطات همسایگی بدون خانه که محل استقرار خانواده است، بی‌معنی است. در ارتباط با همسایه نسبت به ارتباط با خویشاوند دو تفاوت عمده ذکر شده است یکی اینکه همسایه از انسان ارث نمی‌برد و دیگر اینکه قطع ارتباط با همسایه بد مجاز شمرده شده است درحالی‌که قطع رحم جایز نمی‌باشد. ارتباط با همسایه تا شعاع چهل خانه موجب پیدایش حق همسایگی است و خدای سبحان رعایت حقوق همسایگان را واجب کرده و کسی که این حقوق را رعایت نکند در حدّ خودش مشمول (وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ) است. البته شعاع چهل خانه اختصاصی به مجاورت افقی و حدود چهارگانه معهود ندارد، بلکه جوار عمودی برج‌نشینان را شامل می‌شود؛ یعنی، جهت بالا و پایین نیز بر جهات چهارگانه معروف افزوده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۶۲).

هم‌نشین و همراه نیز مانند همسایه به‌خاطر مصاحبت و همراهی‌شان با انسان مؤمن نسبت به او حقی پیدا می‌کنند که این حق از دیدگاه آیت... جوادی آملی بر اساس آیات قرآن قابل اثبات می‌باشد. کلمه «جَنَب» در آیه ۳۶ سوره نساء به معنای کنار نزدیک است و (الصَّاحِبِ بِالْجَنَبِ) یعنی کسی که با شخصی انس و

۱. (قل اصلاح لهم خیر) (بقره: ۲۲۰) و (بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ) (نساء: ۳۶).

۲. بیگانه در برابر خویشاوند است، گاه بیگانه از جهت اعتقادی (غیرمسلمان) و زمانی بیگانه به معنای دور.

مصاحبتی دارد؛ چه در محیط منزل یا محل کار یا در مجامع و محافل دیگر، بنابراین، به خانواده، ارحام و اقربا، هم‌نشین، همسایه، همکار، شریک، همراه، هم‌سفر و هرکسی که به‌نوعی با انسان رابطه دارد باید احسان کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۰۲).

باتوجه‌به اینکه در چهار قلمرو ارتباط با والدین، ارتباط با همسر، فرزندان و خویشان، ارتباط با یتیمان و مساکین و ارتباط با همسایه، هم‌نشین و همراه که قلمروهایی بین‌المللی هستند دستور به احسان آمده است... جوادی آملی می‌فرماید: در دستور احسان نسبت به دیگران دو وظیفه است: رفع نیاز آنها و حفظ کرامت آنان. برخی نیاز دیگران را رفع می‌کنند؛ لیکن به آنان اکرام نمی‌کنند و بعضی نه رفع نیاز می‌کنند و نه اکرام (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۵۹۹ - ۶۰۴).

- ارتباط با جامعه ایمانی (امت اسلامی)

آیت... جوادی آملی معتقدند روش هدایت قرآن از فرد و خانواده و عشیره آغاز می‌شود و به جامعه ایمانی گسترش می‌یابد. قرآن کریم همه مؤمنان را اعضای یک خانواده دانسته، میان آنها پیوند اخوت برقرار می‌کند (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ، حجرات: ۱۰).

- ارتباط با منافقین در جامعه اسلامی

آیت... جوادی آملی «شناخت منافقین در جامعه اسلامی و قطع ارتباط مؤمنین با ایشان» را ضروری می‌داند. از نظر ایشان در بسیاری از آیات قرآن، خداوند به شدت از رفتار اجتماعی منافقان انتقاد می‌کند و مؤمنان را از دوستی با آنان باز می‌دارد: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ، بقره: ۸). منافقان با خدا و مؤمنان خدعه می‌کنند: (يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ) (بقره: ۹) و با کافران پیمان دوستی می‌بندند نه با مسلمانان: (الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ) (نساء: ۱۳۹)، به همین جهت خداوند آنان را با کافران در جهنم گرد هم می‌آورد: (إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ

وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا). (نساء: ۱۴۰) این اجتماع در جهنم، موقت است و به معنای هم‌رتبه بودن نیست، زیرا درکات منافقان از کافران پایین‌تر است: (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۴۳) (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ، نساء: ۱۴۵).

– ارتباطات انسان مؤمن در حوزه توحیدی

حوزه توحیدی حوزه مربوط به موحدان است، در این خصوص باید بدانیم که با مسیحی‌ها، یهودی‌ها، زردشتی‌ها و همه کسانی که خدا را قبول دارند چگونه رفتار کنیم.

برخی از قلمروهای ارتباطی حوزه جامعه اسلامی در حوزه جامعه توحیدی نیز وجود دارد که از جمله این قلمروها ارتباط با والدین، ارتباط با همسایه، هم‌نشین و همراه می‌باشد یعنی اگر والدین، همسایه، هم‌نشین و همراه از اهل کتاب هم باشند همچنان حقوق ایشان با اندک تفاوتی برعهده انسان مؤمن باقی است.

– اتحاد در حوزه پیروان ادیان توحیدی

مهم‌ترین وظیفه هنجاری انسان مؤمن در این حوزه «اتحاد با ادیان توحیدی» است. در این باره آیت‌ا... جوادی آملی به دو آیه از قرآن کریم اشاره کرده و درباره آن دو، مطالبی بیان می‌نمایند.

الف) آیه ایمان به همه پیامبران و کتب آنان (امن الرسول بما أنزل إليه من ربه والمؤمنون كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسوله لانفرق بين أحد من رسوله، بقره: ۲۸۵).

ب) آیه دعوت اهل کتاب به وحدت (قل يا أهل الكتاب تعالوا إلى كلمة سواء بيننا و بينكم ألا نعبد إلا الله ولا نشرك به شيئاً ولا يتخذ بعضنا بعضاً أرباباً من دون الله، آل عمران: ۶۴)؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶۶۹).

– ارتباطات انسان مؤمن در حوزه انسانی

اسلام با تعالیم آسمانی خود دیوار بلند نابرابری حقوقی و اجتماعی را ویران ساخت و همه قبایل و اقوام را یکسان نگریست و اعلان کرد که مرد و زن، سیاه و سفید، عرب و عجم و راعی و رعیت مسئولیتشان مختلف است؛ لیکن در برابر احکام الهی برابرند. این بینش توانست تحوّل عظیم در حیات اجتماعی انسان ایجاد کند و بشر را از زندگی پست بدوی و اسارت، به حیات بلند اجتماعی و ربّوت ارتقا بخشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۰۵).

- ارتباط با کفار و مشرکین

اسلام با کفر و شرک هیچ پیوندی و هیچ آشنایی و آشتی‌ای ندارد؛ لیکن همین اسلامی که کفر را باطل می‌داند، کافر را به حقیقت مایل می‌داند، هرچند در تطبیق آن اشتباه می‌کند؛ یعنی کافر می‌خواهد به سراغ حقیقت برود؛ ولی به بیراهه افتاده و آنچه را یافته است مطلوب وی نیست. سرّش آن است که کافر فطرت مشترک انسانی را دارد، هرچند کفر باطل است و برهان‌پذیر نیست، از این رو تنظیم روابط انسان‌های مسلمان و موحد با کافر، روی بخش مشترک فطرت آنهاست. آیت... جوادی آملی بر اساس آیات قرآن درباره رابطه با کافران می‌فرماید آنان که به جامعه اسلامی ضرری نمی‌رسانند و برضد مسلمانان توطئه‌ای نمی‌کنند، گرچه دین و اعتقادشان مبعوض شماست، خدای سبحان شما را نهی نمی‌کند که با آنان رابطه مسالمت‌آمیز و نیکی و عدالت داشته باشید، چون خداوند، عدالت‌گرا را دوست دارد: (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۳۸) (لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يَخْرُجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَتَبَرَّوْهُمْ وَتُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُقْسَطِينَ، ممتحنه: ۸).

- ارتباط با طاغوت

از نظر آیت... جوادی آملی مراد از طاغوت گاهی شیطان است و گاهی دشمنان اهل بیت علیهم السلام منظور است؛ اما به هر حال در هر جامعه‌ای اگر حاکمانی غیر الهی حکمرانی کنند و به اصطلاح، طاغوت وجود داشته باشد وظیفه انسان مؤمن،

«تبری و اجتناب از طاغوت» است. (أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ) (نحل: ۳۶) و (وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ) (زمر: ۱۷) (یریدونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ) (نساء: ۶۰) بنابراین قرآن کریم اجتناب از طاغوت و کفر به او را بیان می‌کند تا مرجع مردم قرار نگیرد و در آیات اشاره شده می‌فرماید که مردم موظف‌اند به خدا و رسول مراجعه کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۱۳).

- ارتباط با استکبار

از منظر آیت... جوادی آملی ظلم‌ستیزی اسلام دو بخش دارد: «ظلم نکردن» و «زیر بار ظلم نرفتن». ظلم به معنای هرگونه تجاوز از حق، در اسلام مذموم است. حکما آن را سه قسم (ظلم میان انسان و خدا، انسان و نفس او، بین او و مردم) دانسته‌اند که یک بخش آن اجتماعی است: (وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ). (آل عمران: ۵۷) خدا مردم ظالم را در مسیر هدایت و کمال قرار نخواهد داد: (وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (آل عمران: ۸۶) بلکه آنان را نابود می‌کند: (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۳۴) (فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ). (ابراهیم: ۱۳) اسلام نه دین سلطه‌پذیر است و نه سلطه‌گر، چون معیار این روابط را قسط و عدل تنظیم می‌کند. اسلام در عین حال که در سوره مبارکه «ممتحنه» رابطه با کافران را امضاء کرده، در سوره «انفال» و «توبه» رابطه با مستکبران را امضاء نکرده، چون با کافر زندگی مسالمت‌آمیز ممکن هست، چرا که علی‌رغم عدم پذیرش اصول الهی اصول انسانی را می‌پذیرد؛ اما مستکبر نه اصول الهی را می‌پذیرد و نه اصول انسانی را (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

نتیجه‌گیری

در حوزه تفکر اسلامی، آیت... جوادی آملی معتقد است: ارتباطات انسان در چهار حوزه ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگر انسان‌ها و ارتباط با طبیعت شکل می‌گیرد که از این میان با توجه به تعریف ایشان از انسان به عنوان «حی متألّه»

ارتباط انسان با دیگر انسان‌ها را بر اساس فطرت یکسان الهی می‌داند. آیت‌...
 جوادی آملی وظیفه ارتباطی انسان مؤمن را در سه حوزه اسلامی، توحیدی و
 انسانی تبیین نموده و در حوزه اسلامی معیار عقیده و میزان ارتباط با مبدأ هستی
 و در حوزه‌های توحیدی و انسانی معیار فطرت مشترک انسان‌ها را به‌عنوان محور
 پذیرفته‌اند و روابط انسانی را بر اساس این معیارها تنظیم می‌نمایند. ایشان هر
 حوزه ارتباطی را شامل قلمروهای ارتباطی مشترک و خاصی می‌داند. قلمروهای
 مشترک قلمروهایی هستند که در همه حوزه‌ها با اندک تفاوتی در شاخصه‌های
 ارتباطی وجود دارند. به‌این‌ترتیب قلمروهای مشترک عبارت‌اند از: ارتباط با
 والدین، ارتباط با همسر، فرزندان و خویشان، ارتباط با یتیمان و مساکین، ارتباط
 با همسایه، هم‌نشین و همراه؛ اما قلمروهای خاص در حوزه اسلامی عبارت‌اند از
 ارتباط با پیامبر (امام و نایب خاص و عام ایشان)، ارتباط با مؤمنین و مسلمانان و
 ارتباط با منافقین. در حوزه توحیدی همان ارتباط با اهل کتاب و در حوزه
 بین‌المللی عبارت‌اند از ارتباط با کفار، ارتباط با طاغوت و ارتباط با مستکبرین.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸-۱۳۹۴، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۳. _____، ۱۳۷۹، فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. _____، ۱۳۸۰، انتظار بشر از دین، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. _____، ۱۳۸۱، نسبت دین و دنیا، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. _____، ۱۳۸۲، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۷. _____، ۱۳۸۲-۱۳۸۶، سرچشمه اندیشه، قم: مرکز نشر اسراء.
۸. _____، ۱۳۸۳، دین‌شناسی، قم: مرکز نشر اسراء.
۹. _____، ۱۳۸۵، پیامبر رحمت، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۰. _____، ۱۳۸۵، تفسیر انسان به انسان، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۱. _____، ۱۳۸۵، حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۲. _____، ۱۳۸۵، شمیم ولایت، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۳. _____، ۱۳۸۸، اسلام و محیط‌زیست، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۴. _____، ۱۳۸۸، روابط بین‌الملل، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۵. _____، ۱۳۹۰، جامعه در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۶. _____، ۱۳۷۳، شریعت در آینه معرفت، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۷. _____، ۱۳۸۵، هدایت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۸. ابن ابی جمهور، محمدبن زین‌الدین، ۱۴۰۳، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، قم: نشر سید الشهداء.
۱۹. اسلامی، محمدرضا، بررسی جایگاه انسان در اسلام و غرب؛ پایان‌نامه سطح ۳ حوزه علمیه قم.

۲۰. بشیری، ابوالقاسم، خرداد ۱۳۸۸، ارائه الگوی انسان کامل بر اساس ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه قرآن و روایات، پایان‌نامه دکتری.
۲۱. بیرو آلن، ۱۳۸۰، فرهنگ علوم اجتماعی، نشر کیهان.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۷، ولایت فقیه، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۳. حفاظی، محمد، ۱۳۶۹، «بررسی ارتباط انسانی» فصلنامه، رسانه، سال اول شماره پاییز.
۲۴. دادگران، ۱۳۷۴، سید محمد، مبانی ارتباطات جمعی، چاپ اول، تهران: انتشارت فیروزه.
۲۵. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۲۴، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. دهقان پور فراشاه، هاشم، ۱۳۸۷، مدیریت ارتباطات میان‌فردی، نشر رخنه در اسرار، چاپ اول.
۲۷. شریف لک زایی، ۱۳۸۷، سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، دفتر اول، نشست‌ها و گفتگوها، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۸. عاملی، شیخ حر، ۱۰۸۲، وسائل الشیعه، قم: نشر آل‌البیت.
۲۹. عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۰. فرهنگی، علی‌اکبر، آذری، غلامرضا، ۱۳۸۱، مبانی ارتباطات، تهران: انتشارت سنجش.
۳۱. فرهنگی، علی‌اکبر، ۱۳۷۴، ارتباطات انسانی، نشر رسا.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳، بحارالانوار، تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولیعصر عج.
۳۳. محسنیان راد، مهدی، ۱۳۹۱، ارتباطات انسانی، تهران: انتشارات سمت.
۳۴. معین، محمد، ۱۳۴۲، «فرهنگ معین»، تهران.

۳۵. میلر، جرج، ۱۳۶۸، «ارتباط غیرزبانی»، ترجمه محمدرضا طالبی نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۳۶. یوسف زاده و همکاران، ۱۳۹۴، الگوی ارتباطات اجتماعی در جامعه اسلامی، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).

Noblit, G.W; Hare, R.D. (۱۹۸۸), meta Ethnography: synthesizing qualitative studies. Newbury park, CA: stage.
Sandelowski, M.; Barros, J. (۲۰۰۷), Handbook for synthesizing qualitative research, Springer publishing company Inc.